

سکوت

قدرت درون گراها
در دنیایی که بی وقفه حرف می زند

نویسنده: سوزان کین

مترجم: سیمین موحد



کتابسرای تندیس

فهرست

یادداشت نویسنده

مقدمه: طیف درون‌گرا — برون‌گرا

بخش یک: آرمان برون‌گرا ۳۳

۱. ظهور «آدم بسیار دوست‌داشتنی»: چطور برون‌گرایی، ایده‌آل فرهنگی شد
۲. افسانه‌ی رهبر کاریزماتیک: فرهنگ شخصیت، صدسال بعد
۳. وقتی همکاری، خلاقیت را می‌کشد: ظهور تفکر گروهی جدید و قدرت تنها کار کردن

بخش دو: آیا بیولوژی شما خویشتن شماست؟ ۱۳۳

۴. آیا مزاج سرنوشت است؟ طبیعت، تربیت و فرضیه‌ی ارکیده
۵. فراتر از مزاج: نقش اراده‌ی آزاد (و راز صحبت در جمع برای درون‌گراها)
۶. فرانکلین سیاستمدار بود، اما النور از سر وجدان سخن می‌گفت؛ چرا آدم خونسرد با ارزش‌تر شمرده می‌شود؟
۷. چرا وال استریت سقوط کرد و وارن بافت کارش رونق گرفت

بخش سه: آیا همه‌ی فرهنگ‌ها آرمان برون‌گرایی دارند؟ ۲۳۹

۸. آسیایی — آمریکایی‌ها و آرمان برون‌گرا

ظهور «آدم بسیار دوست‌داشتنی»

چشم غریبه‌ها، تیز و انتقادی‌ست.
 آیا می‌توانید با غرور — با اعتمادبه‌نفس — و بی‌ترس با آن‌ها
 روبرو شوید؟

آگهی روی پاکت سوپ وودبری، ۱۹۲۲

تاریخ: ۱۹۰۲؛

مکان: کلیسای هارمونی،

ایالت میسوری آمریکا، نقطه‌ی کوچکی روی نقشه‌ی شهر بر دشتی به
 فاصله‌ی یکصد کیلومتر از شهر کانزاس. قهرمان جوان داستان ما: دانش‌آموز
 دبیرستانی خوب و خوش اخلاق، اما بدون احساس امنیتی به نام دیل. دیل پسر
 لاغر استخوانی و نگران مزرعه دار با اخلاق اما همیشه ورشکسته‌ی شهر است.
 دیل به پدر و مادرش احترام می‌گذارد، اما می‌ترسد پا جای پاهای فقرزده‌ی
 آن‌ها بگذارد. دیل نگران چیزهای دیگری هم هست: از رعد و برق می‌ترسد، از
 رفتن به جهنم می‌ترسد و از این‌که در لحظات حساس زبانش بند بیاید هم

می‌ترسد. او حتی از روز ازدواجش می‌ترسد: اگر هیچ چیزی به عروس آینده‌اش نتواند بگوید چی؟

روزی سخنرانی از نهضت چاتاکا به شهر می‌آید. این نهضت که در سال ۱۸۷۳ تأسیس شده و اساساً در شهر نیویورک مستقر است سخنرانان خوش‌قریحه را به سراسر کشور می‌فرستد تا درباره‌ی ادبیات، علوم و مذهب سخنرانی کنند. آمریکایی‌های کشاورز این سخنران‌ها را که شمیمی از شکوه جهان بیرون را به محل زندگی آن‌ها می‌آورند، و قدرت‌شان در مسحور کردن جمعیت را بسیار گرامی می‌دارند. این سخنران به خصوص هم با نقل داستان زندگی خودش و این‌که چطور از هیچ به همه چیز رسیده دیل جوان را مسحور می‌کند. او می‌گوید روزی پسرک فقیری در مزرعه با آینده‌ای تاریک بوده، اما توانسته راه خوب سخنرانی کردن را یاد بگیرد و در نهضت چاتاکا جایی برای خودش پیدا کند.

دیل چنان مجذوب صحبت‌های او شده که تک‌تک کلماتش را از دهانش می‌قاپد. چند سال بعد، دیل دوباره تحت‌تأثیر ارزش سخنرانی در جمع قرار می‌گیرد. خانواده‌ی او به مزرعه‌ای در سه کیلومتری شهر وارنسبورگ در ایالت میسوری نقل مکان می‌کند، از این رو دیل می‌تواند بدون نیاز به پرداخت پول برای گرفتن اتاق وارد کالج بشود. دیل می‌بیند که دانشجویانی که در رقابت‌های سخنرانی دانشگاه برنده می‌شوند به‌عنوان رهبر نگرسته می‌شوند، بنابراین تصمیم می‌گیرد یکی از آن‌ها باشد. او در تک‌تک این رقابت‌ها ثبت‌نام می‌کند و به سرعت به خانه می‌آید و شب‌ها تمرین می‌کند. دیل بارها و بارها می‌بازد.

دیل مصمم است، اما خطیب نیست. با این حال سرانجام تلاش‌هایش به بار می‌نشیند و او می‌تواند خودش را به برنده‌ی رقابت‌ها و قهرمان دانشگاه بدل کند. حالا سایر دانشجویان برای گرفتن درس سخنرانی به او رو می‌آورند. او آن‌ها را تربیت می‌کند و آن‌ها هم کم‌کم برنده می‌شوند.

وقتی دیل در سال ۱۹۰۸ کالج را ترک می‌کند والدینش هنوز فقیرند، اما اقتصاد آمریکا رو به رونق است. هنری فورد با استفاده از شعار «برای کار و برای تفریح»، خودروهای مدل‌تی اس خود را مثل نان خامه‌ای می‌فروشد. جی